

تبیین کنشگران منتفع و مکانیزم انتفاع از روندهای جهانی مواد اعتیادآور

رضا پورقره‌خان^۱، یاشار ذکی^۲، رسول افضلی^۳، بهمن کارگر^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۰

از صفحه ۱۶۱ تا ۱۹۴

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی

سال دهم، شماره سی و نهم، پاییز ۱۴۰۱

چکیده

زمینه و هدف: فضاهاى جغرافیایی کنونی در مقیاس‌های محلی تا کروی، هر یک به نحوی متأثر از روندهای تجارت جهانی مواد اعتیادآور هستند. روندهای کشت، تولید، ترانزیت، توزیع و مصرف دارای ویژگی‌های پویایی و پیچیدگی هستند. کنشگران عرصه ژئوپلیتیک مواد اعتیادآور، راهبردهای خود را بر مبنای ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و فضای جغرافیای سیاسی تحت کنترل خود طراحی و انتخاب می‌کنند. هدف از این پژوهش، دسته‌بندی کنشگران منتفع از تجارت جهانی مواد اعتیادآور به‌منظور تقویت منابع در حوزه این تجارت و ایجاد زمینه علمی برای مطالعات آتی در هنگام مواجهه با کنشگران فعال در روندهای مواد اعتیادآور و تعیین گروه دربرگیرنده بازیگران مدنظر، با بررسی مکانیزم و سطح انتفاع آنان است. از جایی که در آرای نواقع‌گرایان، کنشگران غیردولتی از اجزای مؤثر دستگاه‌های جهانی هستند، دسته‌بندی کنشگران منتفع از تجارت غیرقانونی موصوف می‌تواند در تعیین راهبردهای نوین مقابله‌ای کارآمد باشد.

روش: پژوهش حاضر از نوع آمیخته است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی در بررسی اسنادی منابع کتابخانه‌ای، تبیین کنشگران ژئوپلیتیکی روندهای مواد اعتیادآور در مقیاس‌های فضایی، مسیر بالکان را محور قرار می‌دهد.

یافته و نتیجه‌گیری: از این‌رو، در چارچوب نظریه واقع‌گرایی ساختاری، با روش بررسی اسنادی و کتابخانه‌ای منابع دست‌اول فارسی و غیرفارسی، کنشگران منتفع از ژئوپلیتیک روندهای جهانی مواد اعتیادآور در شش دسته شامل کنشگران فردی، سازمان‌های جنایی، جنبش‌های مسلح، دولت‌های افیونی، دولت‌های متخاصم و بازیگران پنهان از حیث هدف و مکانیزم انتفاع، در دو گروه ۱- کنشگران دارای اهداف ژئوپلیتیکی و ۲- کنشگران دارای اهداف ژئواکونومیکی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: مواد مخدر، ژئوپلیتیک، دولت افیونی، کنشگران منتفع، تروریسم.

۱. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، pourgharekhan@ut.ac.ir

۲. استادیار، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. استادیار، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴. دانشیار، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

بیان مسئله

کشاورزی در حال برداشت محصول خشخاش خود در افغانستان است و گلوله‌ای روی تن یک افسر پلیس در کشور همسایه می‌نشیند. مادری با کودکان خردسال خود در حال زباله‌گردی برای تأمین مخارج مصرف موادمخدر مادر هستند. کوچه‌های باریک محله‌ای فقیرنشین مملو از معتادین متجاهر در حال مصرف موادمخدر پرخطر است. این صحنه‌ها در دنیای امروز موضوعات جدیدی نیستند. ذهن یک کارشناس در برخورد با این پدیده‌ها ناخودآگاه به‌سوی زمینه‌های به وجود آورنده اعتیاد و سایر روندهای مواد اعتیادآور می‌رود. عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زیادی در شکل‌دهی روندهای مواد اعتیادآور مؤثر هستند؛ اما متغیرهای جغرافیایی و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی از عوامل زمینه‌ساز یک دغدغه ذهنی برای پژوهشگران جغرافیایی هستند.

امروزه معضل مواد اعتیادآور، در کنار تغییرات اقلیمی و مهاجرت، یکی از دغدغه‌های اصلی جوامع بشری در گوشه و کنار جهان است. اعتیاد سالانه میلیون‌ها نفر را به کام مرگ کشانیده و آثار مخربی بر کیفیت جمعیت دولت‌ملت‌ها می‌گذارد. بیش از یک قرن است که تلاش برای ایجاد رویکرد علمی به این پدیده اجتماعی در جوامع انسانی موردتوجه کنشگران سیاسی و در رأس آن‌ها دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی عرصه روابط بین‌الملل قرار گرفته است. اولین تلاش جمعی بشریت برای مقابله مشترک به روندهای مواد اعتیادآور به سال (۱۹۶۱) و کنوانسیون سازمان ملل متحد در این خصوص برمی‌گردد. همچنین در ادامه دو کنوانسیون (۱۹۷۱) و (۱۹۸۸) در پاسخ به تهدیدهای موجود تصویب و کشورهای عضو را ملزم به تدوین قوانین مناسب برای مقابله با کشت، تولید، توزیع و مصرف غیرقانونی (۲۵۰) نوع ماده مخدر و روانگردان کردند. برخی از کشورها در راستای اجرای این سه کنوانسیون اقدام به دایر کردن مراکز پژوهشی مجهز با بهره‌گیری از دانشمندان مجرب کردند و تا حد زیادی در کاهش آسیب مواد اعتیادآور و مدیریت الگوهای مصرف موفق

شدند. تعداد زیادی از کشورها زمان و هزینه‌های خود را صرفاً معطوف به مبارزه با صورت مسئله کرده‌اند.

عامل جغرافیا، جمهوری اسلامی ایران را در مجاورت با بزرگ‌ترین کانون کشت و تولید موادمخدر طبیعی یعنی کشور افغانستان قرار داده و تأثیرپذیری کشورمان از اصل همسایگی در موضوعات مرتبط با موادمخدر به وضوح قابل لمس است. نکته قابل تأمل این است که همواره روندهای موادمخدر در حال تغییر بوده و بنابراین تحلیل و تبیین این روندها مستلزم روزآمدی منابع علمی در این زمینه است. منابع علمی موجود فارسی یا صرفاً بر پایه تجربه عملی فعالیت در زمینه موادمخدر بوده و یا دارای مبانی علمی فاقد تجربیات میدانی هستند. همین که هنوز در تمام متون علمی ما از واژه ترکیبی موادمخدر برای یادکردن از همه مواد اعتیادآور استفاده می‌شود، خود نشان‌دهنده تفاوت فضای علمی با واقعیت‌های موجود در روندهای کشت، تولید، ترانزیت، توزیع و مصرف است.

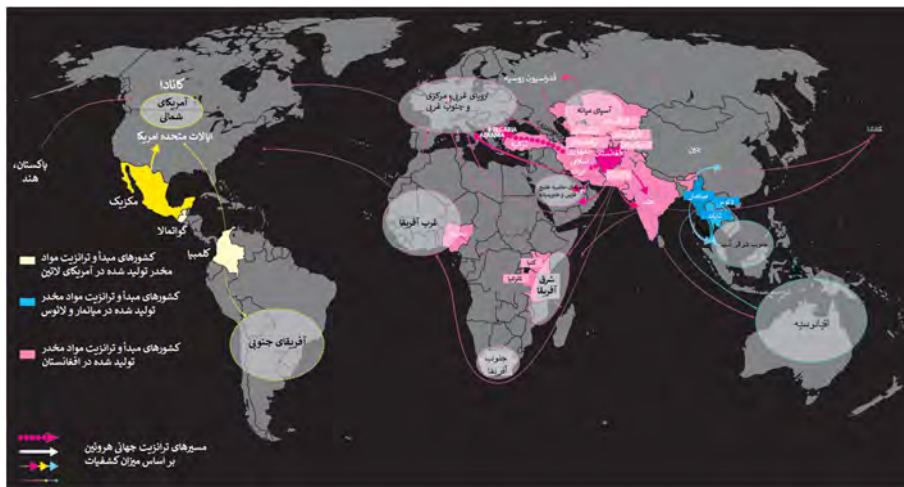
موضوع کشت و تولید مواد اعتیادآور سابقه‌ای طولانی به درازای تاریخ دارد. نوع بشر از قرن‌ها پیش به خواص درمانی برخی گیاهان و آثار سرخوشی‌آور آن‌ها پی برده بودند. شاید باور این موضوع سخت باشد که سوءمصرف مواد اعتیادآور گاهی نیز تأثیرات انکارناپذیری بر تاریخ سیاسی و جغرافیایی گذاشته است. در قرن (۱۸) بریتانیا برای واردات چای از چین و حل مشکلات تجاری خود با چین، ایالت بنگال در هند را که در آن زمان بزرگ‌ترین تولیدکننده تریاک در جهان به شمار می‌آمد، فتح کرد. با این پیروزی، بریتانیا انحصار تولید و فروش تریاک جهان را به دست گرفت. تجارت تریاک به چین در ازاء کالای چینی، دادوستدی پر از سود برای بریتانیا بود. امپراتور چین با صدور حکم تحریم همه نوع مصرف تریاک توسط مردم به این مشکل واکنش نشان داد. این واکنش برای کنترل معضل تریاک شکست خورد و در سال (۱۸۳۹) امپراتور به نیروهای چینی دستور توقیف و سوزاندن تریاک‌های آورده شده توسط کشتی‌های بریتانیایی را صادر کرد و از این‌رو جنگ‌های موسوم به تریاک آغاز شد. حدود (۳) سال، چین و بریتانیا با هم جنگیدند، سرانجام توپخانه و

کشتی‌های جنگی بریتانیا نیروهای چینی را شکست داد. در نتیجه این شکست، چینی‌ها مجبور شدند حقوق تجارت و زمین را به بریتانیا تسلیم کنند. در حقیقت، در نتیجه جنگ‌های تریاک جزیره هنگ‌کنگ تا زمانی که در سال (۲۰۰۰) به کنترل چین در آمد، به مستعمره بریتانیا تبدیل شد (بوسه، ۱۳۸۹).

چندین مرتبه در طول تاریخ شاهد به وجود آمدن «دولت‌های افیونی»^۱ بوده‌ایم. دولت‌های افیونی با تجارت موادمخدر اداره شده یا سران این کشورها از سود این تجارت منتفع هستند. اولین دولت افیونی تاریخ، بریتانیا بوده؛ اما در ادامه اقتصاد بسیاری از کشورهای آمریکای جنوبی توسط تجارت موادمخدر حمایت شده است؛ بنابراین برای اولین بار نمی‌توان تأثیر یک ماده اعتیادآور مانند تریاک را در معادلات منطقه‌ای و جهانی نادیده گرفت.

تقریباً در همه کشورهای جهان کشت مواد اعتیادآور اعم از شاهدانه، خشخاش و بوته کوکا به صورت قانونی و غیرقانونی انجام می‌شود؛ اما کانون‌های عمده کشت مواد اعتیادآور طبیعی سه قاره آسیا (منطقه شرق و جنوب شرق)، آفریقا (منطقه شمال) و آمریکا (منطقه جنوب) هستند. امروزه اگرچه خشخاش در بسیاری از مناطق جغرافیایی جهان قابل کشت بوده، اما بخش عمده تریاک و هرویین مصرفی جهان در کشور افغانستان تولید می‌شود. با توجه به تنوع بازارهای عرضه و تقاضا، بین مناطق تولیدکننده مواد اعتیادآور و سایر بازارهای مصرف سایر نقاط جهان مبادله وجود دارد. نقشه شماره (۱) که توسط دفتر مقابله با جرم و موادمخدر سازمان ملل متحد تهیه شده، به خوبی رابطه بین مناطق تولید مواد افیونی و بازارهای مصرف را نشان می‌دهد.

1- Narco-state.



نقشه شماره (۱). رابطه بین مناطق تولید و بازارهای مصرف مواد افیونی؛ منبع. دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر سازمان ملل متحد، ۲۰۱۹.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل هم‌جواری با کشور افغانستان، تأثیرپذیری زیادی از روندهای ترانزیت، توزیع و مصرف را دارد. مواد مخدر تولیدشده در افغانستان از سه مسیر عمده وارد بازار جهانی می‌شوند که عبارت‌اند از: مسیر شمالی، مسیر جنوبی و مسیر بالکان. مسیر بالکان از اهمیت خاصی برای کشور ما برخوردار است. این مسیر که از مبدأ افغانستان آغاز و با گذر از ایران و ترکیه به منطقه بالکان و بازارهای پرسود اروپا منتهی می‌شود، ناخواسته تأثیر مخرب بسیاری چه به لحاظ درگیر کردن جمعیت کشور با اعتیاد و چه از نظر هزینه‌های مادی و معنوی بر کشورمان گذاشته است. اگرچه عوامل جغرافیایی بسیاری مانند موقعیت جغرافیایی، جغرافیای طبیعی، جغرافیای سیاسی، ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک در ایجاد و گسترش روندهای اعتیادآور مؤثر هستند؛ اما پژوهش حاضر بر روی کنشگران ژئوپلیتیکی این روندها متمرکز است. کنشگران عرصه رقابت ژئوپلیتیکی روندهای تجارت جهانی مواد اعتیادآور به دو دسته کنشگران منتفع و مقابله‌ای تقسیم می‌شوند که دسته اول برای ما اهمیت بیشتری دارند؛ بنابراین، در این پژوهش به معرفی کنشگران ژئوپلیتیکی منتفع از روندهای تجارت جهانی مواد اعتیادآور پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

در متون و ادبیات کلاسیک مواد اعتیادآور موجود در کشور که با تلاش صاحب‌نظران این حوزه تألیف و گردآوری شده‌اند، همواره به موضوع ژئوپلیتیک موادمخدر به‌طور سطحی و توصیفی پرداخته شده است. امروزه در ادبیات مدرن سعی در یافتن ریشه‌های جغرافیایی پدیده‌های ژئوپلیتیکی است که موضوع مواد اعتیادآور نیز از این امر مستثنا نیست. بسیاری از نظریه‌ها و مفاهیم جغرافیایی موادمخدر مانند مثلث طلایی، هلال طلایی و غیره امروزه محلی از اعراب ندارند؛ چراکه عملاً با تغییر حکومت‌ها و مرزهای جغرافیایی مفهوم خود را از دست داده‌اند. مهم‌ترین منابع علمی فارسی در این زمینه با وجود رنگ و بوی جغرافیایی، به دلیل گذر زمان، دگرگونی مفاهیم در آن‌ها لحاظ نشده و گاهی رویکرد انتظامی‌شان بر وجه ژئوپلیتیکی آن‌ها غلبه دارد. همچنین برخی از پژوهش‌ها دارای سطوح تحلیل ملی یا محلی هستند. همچنین با بررسی پیشینه خارجی پژوهش می‌توان به آثار بیشتری دست یافت که بیشتر بر نظریه‌های روابط بین‌الملل تمرکز داشته و وجه جغرافیایی آن‌ها کم‌رنگ است. در ادامه به تعدادی از پژوهش‌های برجسته این حوزه در جدول شماره (۱) اشاره می‌شود.

جدول شماره (۱). پژوهش‌های داخلی و خارجی حوزه ژئوپلیتیک مواد اعتیادآور.

ردیف	اثر	مؤلف	هسته بحث
۱	«شر یا ضرورت تریاک؟ ژئوپلیتیک کنترل موادمخدر از ۱۹۰۹ تا ۱۹۶۱» ^۱	«ثور و گود» ^۲	نقش ایالات متحده در روندهای موادمخدر در بازه زمانی ۱۹۰۹ تا ۱۹۶۱
۲	«ژئوپلیتیک مبارزه با موادمخدر، رقابت و همکاری روسی-آمریکایی در آسیای میانه» ^۳	«کارکاناگ» ^۴	نظریه‌های روابط بین‌الملل از قبیل موازنه قوا و رقابت
۳	«تخیل ژئوپلیتیکی و جنگ ایالات متحده علیه موادمخدر در	«زیابو سو» ^۲	این پژوهش دستاویز قراردادن جنگ علیه موادمخدر توسط ایالات متحده برای فشار به سایر

1. Opium evil or opium essential? The geopolitics of drug control from 1909-1961.

2. Thorogood.

3. Géopolitique de l'antidrogue: concurrence et coopération russo-américaines en Asie central", Revue Internationale et Strategique.

4. Carcanague.

ردیف	اثر	مؤلف	هسته بحث
	مقابل چین ^۱		کشورهای با هدف به دست آوردن منافع ژئوپلیتیکی را یک راه مناسب و مشروع برای موازنه قوا می‌داند.
۴	«از ژئوپلیتیک جنگ سرد تا ژئونارکوتیک پس از جنگ سرد» ^۲	«گریفیث» ^۴	چالش‌ها، تهدیدها و فرصت‌های نظم نوین جهانی و نقش ژئوپلیتیک موادمخدر در نظم نوین جهانی
۵	«خشخاش‌ها دموکراسی هستند! ژئوپلیتیک انتقادی امحاء و بازتولید تریاک در ترکیه» ^۵	«آورد» ^۶	نقد نحوه مقابله با کشت و تولید تریاک در ترکیه با دیدگاه جغرافیایی
۶	«ژئوپلیتیک موادمخدر و تأثیر آن بر امنیت مرز و مناطق مرزی شرقی (مورد مطالعه مرزهای خراسان رضوی-افغانستان)»	سیدهادی زرقانی و مرتضی رضوی نژاد	سطح تحلیل محلی ژئوپلیتیک موادمخدر

منبع: پیشینه پژوهش، ۱۴۰۱.

مبانی نظری

یک پژوهشگر طی اجرای پژوهش خود به حقایقی برخورد می‌کند که برای تجزیه و تحلیل علل پیدایش و یافتن جایگاه این پدیده‌ها در پازل خود نیاز به یک چارچوب ذهنی دارد. این چارچوب ذهنی در واقع زاویه دید یا دریچه نگاه پژوهشگر نسبت به مسائل موجود است. در پژوهش حاضر با نگاه نواقع‌گرایانه به موضوع پژوهش، برای پرداختن به نقش بازیگران و در نظر گرفتن اهمیت همه کنشگران روندهای مواد اعتیادآور از نظریه واقع‌گرایی ساختاری به مباحث روابط بین‌الملل نگاه می‌کنیم.

واقع‌گرایی ساختاری: روندهای مواد اعتیادآور در مقیاس جهانی و جریان دارند و به همین دلیل باید برای تحلیل این روندها از یک نظریه مناسب روابط بین‌الملل استفاده کرد. از دیرباز، مباحث روابط بین‌الملل و اختلاف نظرات موجود

1. Xiaobo Su.
2. Geopolitical imagination and the US war on drugs against China.
3. From Cold War Geopolitics to Post-Cold War Geonarcotics.
4. Griffith.
5. Poppies are democracy! a critical geopolitics of opium eradication and reintroduction in Turkey.
6. Evered.

در این حوزه، موردعلاقه محافل علمی جهان بوده و از دوران باستان تاکنون سیر تکاملی قابل توجهی را طی کرده است. با پیشرفت سایر علوم و ورود ریاضیات به حلقه‌های فکری اندیشمندان، دیدگاه‌های اثبات‌گرایانه توانسته‌اند تا حدود زیادی توجه پژوهشگران حوزه مطالعات روابط بین‌الملل را در هستی‌شناسی و روش‌شناسی این رشته به خود جلب کنند؛ بنابراین صحبت از ارقام و اعداد به میان می‌آید. این بدان معناست که حسابگری و توجه به افزایش ثروت و قدرت به‌عنوان هدف نظریه‌پردازان این حوزه ترسیم‌شده و سیاست‌رئای اخلاق از تن به در می‌کند. واقع‌گرایانه به‌ویژه «ماکیاولی» و «هگل» از بدبینی به سرشت انسان و لزوم انباشت ثروت و قدرت در تبیین منافع ملی صحبت کرده تا جایی که واقع‌گرایان تهاجمی سیاستمداران را به جنگ و بی‌توجهی به اخلاقیات ترغیب می‌کنند. یکی از ویژگی‌های واقع‌گرایان توجه به دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی عرصه روابط بین‌الملل بوده و کنشگران غیردولتی از جمله سازمان‌های بین‌المللی را دارای اثر قابل‌توجهی در معادلات جهانی نمی‌دانند. این‌ها واقع‌گرایان کلاسیک یا بنیادگرا بودند، درحالی‌که واقع‌گرایان ساختارگرا و تکوین‌گرا کمی از موضع خود عدول کرده‌اند. در این میان واقع‌گرایی ساختاری توجه بیشتری به کنشگران غیردولتی دارد.

نوواقع‌گرایی را که در اواخر دهه (۱۹۷۰) شکل گرفت، می‌توان بیش از هر چیز تلاشی برای علمی کردن واقع‌گرایی دانست. در شرایطی که واقع‌گرایی کلاسیک متهم به آن بود که سنت‌گرا و غیرعلمی است، برخی از واقع‌گرایان تلاش کردند روایتی علمی از واقع‌گرایی عرضه کنند که با معیارهای علمی مرسوم انطباق داشته باشد. به‌علاوه، واقع‌گرایی از نظر عدم توجه به مسائل اقتصادی نیز موردانتقاد قرار داشت. در نتیجه یکی دیگر از حوزه‌های موردتوجه واقع‌گرایی جدید مسائل اقتصاد بین‌الملل بود. در دهه (۱۹۷۰) «والتز»^۱ مهم‌ترین نماینده تلاش برای علمی کردن واقع‌گرایی در قالب نوواقع‌گرایی یا واقع‌گرایی ساختاری محسوب می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷).

یکی از نظریه‌های مطرح روابط بین‌الملل که نمایانگر یک تصویر سامانمند

1. Waltz.

از سیاست بین‌الملل بوده و واحدهای تشکیل‌دهنده را با شیوه آرایش آن‌ها نشان می‌دهد، واقع‌گرایی ساختاری است. با هدف توسعه نظریه، دولت‌ها نقش بازیگرانی را ایفا می‌کنند که حداقل می‌خواهند رهایی یابند و به‌عنوان واحدهای تشکیل‌دهنده سیستم در نظر گرفته می‌شوند. ویژگی ساختاری ضروری سیستم آنارشی یا همان فقدان قوه فائده مرکزی است. تغییرات در ساختار و کارکرد سیستم با تغییر در تعداد ابرقدرت‌ها صورت می‌گیرد. محدوده پیامدهای مورد انتظار از انگیزه‌های مفروض واحدها و ساختار سامانه‌ای که در آن کنش می‌کنند منتج می‌شود (والترز، ۱۹۸۸، ص ۶۱۸).

قاسمی با تأکید بر اهمیت «موازنه قوا»^۱ در آراء «والترز»، عنوان می‌کند: اگرچه با پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی و شکل‌گیری سیستم هژمونیک، برخی از مرگ نظریه موازنه قوا صحبت به میان آوردند، اما مجدداً از اواسط دهه (۱۹۹۰) به بعد بحث در مورد کارآمدی رئالیسم و نظریه موازنه قوا به‌عنوان یک برنامه پژوهشی روابط بین‌الملل به‌صورت جدی مطرح شد. از دید «والترز»، نظریه موازنه قوا با این فرض شروع می‌شود که دولت‌ها حداقل خواهان حفظ خود و در طیف حداکثری استیلای جهانی هستند. دولت‌ها از روش‌های مختلفی برای رسیدن به این اهداف استفاده می‌کنند. این ابزارها به دو دسته تقسیم می‌شوند: نخست تلاش‌های داخلی از جمله افزایش توانایی اقتصادی، توان نظامی و اتخاذ راهبردهای هوشمندانه است. دوم تلاش‌های معطوف به خارج، مانند گسترش و تقویت اتحادیه‌های خودی و یا تضعیف اتحادیه‌های مخالف است. او سپس از موازنه نامتقارن صحبت به میان می‌آورد. موازنه نامتقارن دربرگیرنده تلاش دولت‌ها برای توازن و محدودسازی تهدیدهای غیرمستقیم از ناحیه گروه‌هایی است که فاقد توانایی استفاده از راهبردها و توانایی‌های متعارف نظامی هستند و شامل تلاش‌هایی معطوف به بازیگران فراملی و دولت‌های حامی آن‌ها است که از ابزارهای غیرمتعارف بهره می‌برند (قاسمی، ۱۳۹۴، صص ۴۷۵-۴۹۲).

گروه‌های سازمان‌یافته و تروریسم منتفع از درآمد تجارت نامشروع را

1. Power balance.

می‌توان مصادیق گروه‌های موصوف دانست؛ بنابراین، رابطه میان یک گروه سازمان‌یافته تروریستی و دولت حامی خود می‌تواند در چارچوب موازنه قوا با هدف تضعیف دولت رقیب باشد. برابر آنچه گفته شد دو مفهوم از نظریه واقع‌گرایی ساختاری «والتز» برای درک بهتر از روندهای نارکوپلیتیک به ما کمک خواهند کرد: ۱- اهمیت بازیگران غیردولتی و ۲- موازنه قوا. روایت «والتز» از بازیگران رسمی و غیررسمی و ارتباطات آنان در یک شماتیک، می‌تواند تصویر ساختاریافته‌ای از بازیگران دخیل در روندهای کشت، تولید، ترانزیت و توزیع مواد اعتیادآور ارائه دهد.

«والتز» تا جایی دولت‌ها را بازیگران اصلی سیاست بین‌الملل می‌داند که اهمیت آن‌ها با ظهور بازیگران غیررسمی کاهش نیابد. هنگامی که یک بازیگر غیردولتی تا جایی سیطره‌اش را گسترش دهد که با قدرت‌های بزرگ رقابت کرده یا بر آن‌ها برتری یافته، نقش دولت به‌عنوان کنشگر اصلی عرصه روابط بین‌الملل قابل‌چشم‌پوشی است (والتز، ۱۹۷۹، ص ۹۴). از یک کشاورز افغان گرفته تا شبکه‌های سازمان‌یافته تجارت پرسود و غیرقانونی مواد اعتیادآور و همچنین سازمان‌های ملی و بین‌المللی مقابله با مواد اعتیادآور همگی کنشگران یک ساختار هستند. همه این بازیگران دولتی، غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی نقش غیرقابل‌چشم‌پوشی در معادلات نظام بین‌المللی بر عهده دارند؛ بنابراین، با پذیرش نقش بازیگران موصوف و همچنین نیم‌نگاهی به مفهوم موازنه قوا از رویکرد رئالیستی اقتصادی‌محور نظریه واقع‌گرایی ساختاری برای تحلیل روابط و عملکردهای کنونی استفاده شده است.

مفاهیم کاربردی: ادبیات موضوع پژوهش حاضر شامل دایره وسیعی از مفاهیم و تعاریف می‌شود که پرداختن به همه آن‌ها می‌تواند از حوصله یک پژوهش خارج باشد؛ بنابراین با توجه به وسعت مفاهیم در پژوهش، آن دسته از مفاهیم‌های بنیادین که دانستن آن‌ها قبل از ورود به هسته اصلی بحث برای طیف‌های گوناگون افراد بهره‌بردار ضروری است تا حد ممکن به‌صورت خلاصه در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد.

ژئوپلیتیک: تجزیه و تحلیل اثر متقابل بین ویژگی‌ها و چشم‌اندازهای جغرافیایی از یک طرف و از سوی دیگر فرآیندهای سیاسی است. هم ویژگی‌های جغرافیایی و هم فرآیندهای سیاسی پویا هستند و هر یک تحت تأثیر دیگری قرار می‌گیرند. ژئوپلیتیک به پیامدهای این تعامل دوطرفه می‌پردازد («کوهن»^۱، ۲۰۱۰). همچنین عزتی (۱۳۹۲) ژئوپلیتیک را درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی به‌منظور دستیابی به قدرت، به‌نحوی که بتوان در بالاترین سطح وارد بازی جهانی شد و منافع ملی و حیاط ملی را حفظ کرد، تعریف می‌کند. از نظر او ژئوپلیتیک عبارت است از: علم کشف روابط محیط جغرافیایی و تأثیر آن بر سرنوشت سیاسی ملل. امروزه در تعریف قدرت که می‌تواند تولید سیاست کند، منابعی ارزشمندند که نامرئی باشند و در حقیقت آن‌ها منابع واقعی قدرت به‌شمار می‌روند که در این صورت عوامل متغیر ژئوپلیتیکی نقش اساسی خواهند داشت.

نارکوپلیتیک: به توصیف به‌کارگیری سیاست برای مقابله قانونی یا حمایت غیرقانونی از تجارت نامشروع مواد اعتیادآور «نارکوپلیتیک»^۲ اطلاق می‌شود. همه سیاست‌های مرتبط با موادمخدر که بازیگران دولتی و غیردولتی برای کنترل و مقابله با مواد اعتیادآور تدوین کرده و یا در سمت دیگر موجب تسهیل روندهای مواد اعتیادآور می‌شود را در حوزه نارکوپلیتیک بررسی می‌کند. در دهه (۱۹۷۰) برای اولین بار در آمریکای لاتین واژه نارکوپلیتیک به‌منظور وصف به‌کارگیری سیاست برای تأثیر بر تجارت نامشروع موادمخدر یا پشتیبانی از آن استفاده شد. اگرچه این واژه در ادبیات فارسی و حتی غیرفارسی کمتر به چشم می‌خورد، در این نوشتار سعی شده منبع قابل استناد برای پژوهش‌های بعدی گردآوری شود. دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی برای کنترل روندهای مواد اعتیادآور دست به تدوین سیاست‌های کنترلی و مقابله‌ای زده‌اند و با تصویب قوانین متناسب با این سیاست‌ها سعی در اجرای سیاست‌های خود دارند که از آن‌ها به‌عنوان بُعد مثبت سیاست موادمخدر یا نارکوپلیتیک یاد می‌کنند. از سوی دیگر در طرف مقابل، کنشگران و گردانندگان اصلی روندهای مواد

1. Cohen.

2. Narcopolitics.

اعتیادآور، چه قاچاقچیان و سرکردگان شبکه‌های قاچاق، چه دولت‌های فاسد حامی روندهای قاچاق موادمخدر و چه دولت‌ها و کنشگران متخاصم که درگیر کردن دولت رقیب در روندهای مواد اعتیادآور را در راستای ایجاد تفوق و برتری ژئوپلیتیکی می‌دانند، بازیگران بُعد منفی نارکوپلیتیک هستند؛ بنابراین نارکوپلیتیک یا سیاست افیونی به سیاست‌های مؤثر حمایتی یا مقابله‌ای در روندهای مواد اعتیادآور گفته می‌شود.

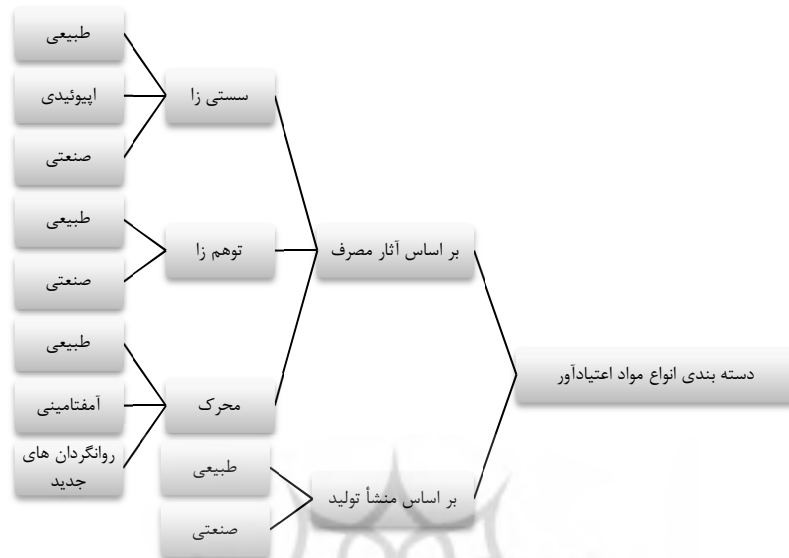
دولت افیونی: «دولت افیونی»^۱ یک اصطلاح سیاسی و اقتصادی است که برای کشورهای به کار می‌رود که در آن‌ها اشخاص سیاسی تراز اول و مؤسسات دولتی از پول و درآمد تجارت موادمخدر منتفع می‌شوند (گزارش «صندوق بین‌المللی پول»^۲، ۲۰۰۳). شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی فاسد که از اقتصاد مواد اعتیادآور درآمد کسب می‌کنند؛ در برخی از کشورها دارای مناصب مهم دولتی هستند و حضور این افراد در ساختار سیاسی کشورها مبارزه با روندهای مواد اعتیادآور را با دشواری مواجه می‌کند. دولت بریتانیا یکی از قدیمی‌ترین دولت‌هایی است که از تجارت تریاک کسب درآمد کرده است. امروزه کشورهایی که در زمره دولت‌های افیونی قرار دارند از گزارش‌های محرمانه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی شناخته می‌شوند.

مواد اعتیادآور: موادی که موجب تأثیر بر مغز و سیستم اعصاب انسان و در نتیجه اختلال در روند عادی رفتار او شده و در اثر تداوم مصرف می‌تواند موجب اعتیاد فرد مصرف‌کننده شوند را مواد اعتیادآور می‌نامند. آنچه از دسته‌بندی انواع مواد اعتیادآور تاکنون در نوشتارهای موجود برجسته‌تر و مورد تأیید بسیاری از کارشناسان و متخصصان است، دسته‌بندی آن‌ها بر اساس آثاری است که مصرف موادمخدر و روانگردان بر روی بدن و رفتار انسان دارند. بر این اساس مواد اعتیادآور به سه دسته سستی‌زاها (مخدرها)، توهم‌زاها و محرک‌ها (شامل روانگردان‌ها) تقسیم می‌شوند. دو نوع دسته‌بندی کلی برای مواد اعتیادآور در نظر گرفته شده است که نمودار شماره (۱) دسته‌بندی‌های

1. Narco State.

2. International Monetary Fund.

موردنظر را در یک نگاه نشان می‌دهد.



نمودار شماره (۱). دسته‌بندی انواع مواد اعتیادآور؛ منبع: نگارندگان، ۱۴۰۱.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع آمیخته است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی در بررسی اسنادی منابع کتابخانه‌ای، تبیین کنشگران ژئوپلیتیکی روندهای مواد اعتیادآور در مقیاس‌های فضایی، مسیر بالکان را محور قرار می‌دهد. در این راستا منابع دست‌اول داخلی و خارجی برای بهره‌برداری و ارجاع در اولویت نگارنده هستند. فیلتر واقع‌گرایانه نهاده شده بر داده‌های به‌دست‌آمده، تحلیل بهتری از واقعیت‌های تجربه‌شده در فضاهای مختلف به ما ارائه می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

زمینه‌ساز اصلی بسیاری از جرائم و بزهکاری‌های خرد تا کلان نیاز مالی است. مشارکت در روندهای مواد اعتیادآور نیز معمولاً ناشی از فقر و زمینه اقتصادی تسهیل‌کننده ریسک بالای ارتکاب این جرائم است. کشت و تولید به‌عنوان اولین حلقه از زنجیره روندهای مواد اعتیادآور همواره در فضاهای جغرافیایی

متأثر از فقر شدید اقتصادی صورت می‌گیرد. «گزارش اتحادیه اروپایی»^۱ (۲۰۰۹) از بازارهای جهانی مواد اعتیادآور، نشان می‌دهد که برای هرویین و کوکائین هزینه تولید و پالایش در مقابل توزیع، سهم ناچیزی از قیمت نهایی در کشورهای غربی (تقریباً یک تا دو درصد) است. همچنین تولیدکنندگان محرک‌های آفتامینی سهم کمی از قیمت خرده‌فروشی را دریافت می‌کنند. قاچاق از طریق مرزهای ملی، شاید (۱۰) درصد از قیمت خرده‌فروشی هروئین یا کوکائین را تشکیل دهد. اکثر قریب به اتفاق درآمدها از توزیع داخلی در کشور مصرف‌کننده به دست می‌آید. اکثریت قریب به اتفاق کسانی که در تجارت مواد اعتیادآور دخیل هستند، درآمد بسیار کمی دارند؛ بنابراین کنشگران خرد در کشورهای تولیدکننده که ریسک زیادی را متحمل می‌شوند، درآمد به مراتب کمتری از بازیگران کلان دارند.

بازیگران فعال در روندهای مواد اعتیادآور را می‌توان در دو دسته: منتفع و مقابله‌کننده طبقه‌بندی کرد. کنشگرانی که به نحوی بر این روندها از کشت، تولید، ترانزیت گرفته تا توزیع تأثیرگذارند یا با انگیزه‌های سیاسی-اقتصادی نقش افزایشی در تشدید روندها داشته و یا متأثر از یک ایدئولوژی مانع شکل‌گیری یا تشدید روندها هستند. با توجه به موضوع پژوهش، کنشگران منتفع مورد واکاوی قرار می‌گیرد. دولت‌ها، احزاب، گروه‌های مسلح، سازمان‌های تروریستی و سیاستمدارانی که از تجارت مواد اعتیادآور منتفع هستند، در این دسته جای می‌گیرند. این بازیگران سیاسی با هدف انباشت سرمایه، بقا و یا پیشبرد اهداف خود ریسک ایفای نقش غیر مشروع در روندهای مواد اعتیادآور را می‌پذیرند. ممکن است یک دولت متخاصم برای تضعیف دولت رقیب یا موازنه قوا اقدام به ایجاد یک سازمان تروریستی کند که برای بقا یا تأمین مالی خود اقدام به فعالیت‌های غیرقانونی در زمینه مواد اعتیادآور می‌کند؛ در این صورت دولت متخاصم و سازمان تروریستی مورد نظر در یک ائتلاف غیرمتعارف تبدیل به کنشگران سیاسی منتفع می‌شوند.

در نگاه اول عامل اصلی محرک برای حضور در فعالیت‌های غیرقانونی از

1. European Commission.

جمله روندهای مواد اعتیادآور، اقتصادی به نظر می‌رسد؛ اما پژوهشگران و اندیشمندان گاهی اهداف جغرافیایی-سیاسی و یا اجتماعی برای تشدید و ترویج ناامنی حاصل از فعالیت‌های مجرمانه در دولت‌ها یا ائتلاف‌های رقیب برمی‌شمارند. منافع کنشگران فعال ممکن است از نوع ژئوپلیتیکی، مالی و یا سیاسی باشند. آن‌گونه که «قاسمی» اظهار می‌کند، کشورها به دلیل داشتن اهداف متعارض، همیشه در معرض اقدام یا اقدامات نامطلوب رقبا قرار داشته و این موضوع به‌ویژه با همسایگان از ضرورت بیشتری برخوردار بوده است؛ بنابراین در جلوگیری از تحقق آن تلاش کرده‌اند (قاسمی، ۱۳۹۴، ص ۳۷۱). رفتار کشورها در طول تاریخ نیز گویای این واقعیت است. از سوی دیگر هم‌جواری و وجود حوزه‌های راهبردی مشترک، سبب تداخل منافع کشورها و در نتیجه تهدیدهای راهبردی می‌شود. در دوران جنگ سرد نظریه‌های موازنه قوا توسط واقع‌گرایان تهاجمی با این مفروض ارائه شد که جهان بر اساس بازی حاصل جمع جبری صفر بنیان نهاده شده است. از دید «کنت والتز» دولت‌ها حداقل خواهان حفظ خود و در طیف حداکثری استیلای جهانی هستند. دولت‌ها از روش‌های مختلفی برای رسیدن به این اهداف استفاده می‌کنند. این ابزار به دو دسته تقسیم می‌شوند. نخست تلاش‌های داخلی از جمله افزایش توان اقتصادی، توانایی نظامی و اتخاذ راهبردهای هوشمندانه؛ دوم تلاش‌های معطوف به خارج مانند گسترش و تقویت اتحادهای خودی و یا تضعیف اتحادهای مخالف. یکی از راه‌های تضعیف اتحادهای رقیب به‌کارگیری تهدیدهای راهبردی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که چالش روندهای مواد اعتیادآور گزینه مناسبی برای پوشش این راهبرد به نظر می‌رسد.

برخی از بازیگران حامی روندهای مواد اعتیادآور از جمله ترانزیت برای نیل به اهداف سیاسی خود و پیروزی بر رقبا، از سودهای کلان کارتل‌های مواد مخدر بهره می‌گیرند. همان‌گونه که در نظریه «والتز» توضیح داده شد، هر یک از افراد، سازمان‌ها و دولت‌ها می‌توانند بازیگران عرصه روابط بین‌المللی باشند. از این‌رو، تمام افراد، گروه‌ها، باندها، کارتل‌ها، سازمان‌ها و دولت‌های دخیل در روندهای کشت، تولید، ترانزیت، توزیع و مصرف مواد اعتیادآور،

کنشگران یا بازیگران عرصه ژئوپلیتیک موادمخدر بوده و در نظریه واقع‌گرایی ساختاری برای آن‌ها نقش قائل شده است. در ادامه کنشگران روندهای مواد اعتیادآور در شش گروه عمومی: کنشگران فردی، سازمان‌های جنایی، جنبش‌های مسلح، دولت‌های افیونی، دولت‌های متخاصم و بازیگران پنهان دسته‌بندی و هر یک به اختصار تشریح می‌شوند:

کنشگران فردی

کنشگرانی که در همه روندهای تجارت جهانی مواد اعتیادآور فعال هستند، اعم از کشاورزان کشت‌کننده خشخاش، شاهدانه، کوکا و یا هر گیاه دارای منشأ اعتیادآور، شیمیدانان گرداننده لابراتوارهای فرآوری مواد اعتیادآور صنعتی یا نیمه‌صنعتی، تهیه‌کنندگان پیش‌سازها و مواد اولیه شیمیایی، تاجران و خریداران سر مزرعه، افراد دخیل در ترانزیت مواد اعتیادآور داخل کشور یا به خارج از آن، فروشندگان خیابانی، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان مواد اعتیادآور را بازیگران فردی قلمداد می‌کنند. کنشگران فردی چه در سازمان‌های جنایی و یا جنبش‌های مسلحانه عضویت داشته و چه به صورت انفرادی در این روندها حضور داشته باشند، هر یک نقش قابل‌توجهی در تکمیل چرخه تجارت غیرقانونی مواد اعتیادآور بر عهده دارند.

اگر تجارت جهانی مواد اعتیادآور را یک نظام بین‌المللی در نظر بگیرند، صرف‌نظر از اینکه کنشگران فردی با چه انگیزه و هدفی اعم از اقتصادی، سیاسی و غیره در ژئوپلیتیک تجارت جهانی مواد اعتیادآور نقش‌آفرینی می‌کنند، کوچک‌ترین ولی مهم‌ترین واحد در این سیستم به شمار می‌روند. ممکن است بازیگران فردی به صورت مستقل در نظام موصوف فعالیت نداشته و دارای وابستگی به سایر کنشگران چه از طریق سلسله‌مراتب سازمانی یا مراودات مالی باشند. آن‌گونه که «والتز» اظهار می‌کند، محدوده پیامدهای مورد انتظار از انگیزه‌های مفروض واحدها و ساختار سامانه‌ای که در آن کنش می‌کنند، منتج می‌شود (والتز، ۱۹۸۸، ص ۶۱۸)؛ بنابراین انگیزه کنشگران فردی نقش غیرقابل‌انکاری در خروجی سیستم تجارت جهانی مواد اعتیادآور دارد. عموماً انگیزه‌های مالی و اقتصادی به دخالت افراد در روندهای مواد اعتیادآور می‌انجامد.

برای مثال، توسعه نیافتگی، عدم دسترسی به امکانات اولیه زندگی و فقر در جوامع محلی افغانستان، از عوامل اقتصادی هستند که کشاورزان را برای برداشت محصول سودآور به سوی کشت خشخاش سوق می دهند.

کنشگران فردی شامل همه افراد مؤثر در روندهای مواد اعتیادآور شده که سهم آنان از درآمد این تجارت نامشروع بسیار متفاوت است. نمی توان درآمد کنشگران سطح پایین مانند کشاورزان یا کولبران را با سرکردگان باندها و کارتل ها برابر دانست. نمودار شماره (۲) نسبت درآمد کشاورزان افغان به ارزش کل اقتصاد تریاک افغانستان، به طور میانگین از سال (۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵) را نشان می دهد. به خوبی می توان دریافت که کشاورزان افغان مالک بخش عمده سود تولید و ترانزیت تریاک در افغانستان نیستند.



- ارزش تریاک سر مزرعه
- ارزش تولید و قاچاق تریاک از مزرعه تا مرز
- ارزش ادامه ترانزیت به بازارهای مصرف از طریق مسیر بالکان

نمودار شماره (۲). نسبت درآمد کشاورزان افغان به ارزش کل اقتصاد تریاک افغانستان؛ منبع. گزارش پول موادمخدر، «درآمد غیرقانونی موادمخدر قاچاق شده در مسیر بالکان»^۱، ۲۰۱۵.

سازمان های جنایی: کارتل ها، گروه های مافیایی، باندها و شبکه هایی که با اهداف مالی به منظور مشارکت در تجارت جهانی مواد اعتیادآور سازمان دهی

1. Drug money: the illicit proceeds of opiates trafficked on the Balkan route.

می‌شوند را سازمان‌های جنایی مواد اعتیادآور می‌نامند. هدف اصلی این سازمان‌ها، کسب منافع اقتصادی و انباشت سرمایه است. سازمان‌های جنایی معمولاً حتی‌الامکان از درگیری‌های مسلحانه و رویارویی با دولت اجتناب کرده و به‌منظور پنهان ماندن، از هرگونه فعالیت‌های سیاسی و ایدئولوژیک دوری می‌کنند. کنشگران غیردولتی منتفع از روندهای مواد اعتیادآور در ایران اعم از افراد، گروه‌ها، باندها و سازمان‌های جنایی درگیر در ترانزیت و قاچاق، عمدتاً با اهداف اقتصادی ریسک اعمال مجرمانه را می‌پذیرند.

یکی از عوامل رشد اقتصادی کارتل‌های مواد اعتیادآور را می‌توان عدم پرداخت مالیات توسط آن‌ها دانست. مالیات در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته از منابع اصلی درآمد دولت به شمار رفته و عدم پرداخت آن موجب کاهش درآمد دولت می‌شود. کارتل‌های مواد اعتیادآور در بسیاری از کشورها برای پیشبرد اهداف خود ممکن است دست به ترور و حذف فیزیکی مقامات، مسئولین و نهادهای مسئول مبارزه با موادمخدر بزنند. این گروه‌های سازمان‌یافته سعی دارند تا جای ممکن افعال مجرمانه خود را پنهانی پیش ببرند، اما اگر در جایی پیشبرد برنامه‌ها به‌صورت مخفیانه با مشکل مواجه شود به تطمیع مسئولین مبارزه با موادمخدر و آلوده کردن آن‌ها به فساد روی می‌آورند. اگر گروه‌های موردنظر دارای قدرت و نفوذ قابل‌توجهی بوده و از طریق فساد و پرداخت رشوه به نتیجه دلخواه خود نرسند، اقدام به ارباب و ایجاد وحشت از طریق تهدید و یا ترور مسئولان نهادهای مبارزه با موادمخدر می‌کنند.

«در کلمبیا کارتل «مدلین»^۱ تلاش کرد از ترور استفاده کند تا دولت کلمبیا را از اقدامات سخت‌گیرانه قانونی باز دارد»^۲. همین تأثیرات در کشورهای مصرف‌کننده نیز می‌تواند رخ دهد. خرده‌فروشی موادمخدر، به‌ویژه هنگامی که با خشونت همراه می‌شود، می‌تواند منبع بزرگی از هرج‌ومرج باشد (کلیمن، ۲۰۰۴، ص ۸). «کلیمن» ارباب را مکمل فساد می‌داند. او می‌نویسد

1. Medellin.

۲. در سال (۱۹۸۵)، کارتل مدلین به همراه گروه تروریستی M-۱۹ به دادگاه عالی در بوگوتا کلمبیا، حمله کرد تا از استرداد چندین قاچاقچی برجسته کوکابین به ایالات متحده جلوگیری کند که این اتفاق بسیار مورد توجه قرار گرفته و بازده قاضی رده‌بالا کشته شدند.

که کارتل مدلین در کلمبیا به مقامات این کشور پیشنهاد «نقره یا سرب»^۱ را ارائه داد. کسانی که از پول‌های فاسد امتناع ورزیدند، خشونت را علیه خود و خانواده‌هایشان می‌دیدند. نهادهایی که به دلیل ارباب مرتبط با موادمخدر تضعیف شده‌اند، ممکن است در مقابل گروه‌های تروریستی کمتر مؤثر واقع شوند (کلیمن، ۲۰۰۴، ص ۹). پیشنهاد نقره یا سرب اصطلاحی است که در میان کارتل‌های موادمخدر آمریکای جنوبی استفاده می‌شود، بدان معنا که مسئولان مورد نظر آن‌ها باید بین نقره (رشوه) و سرب (گلوله) یکی را انتخاب کنند. این در واقع همان سیاست چماق و هویج است که توسط یک کنشگر واقع‌گرای عرصه ژئوپلیتیک موادمخدر طراحی و بی‌رحمانه اجرا می‌شود.

جنبش‌های مسلح: گروه‌های سازمان‌یافته اعم از تروریستی یا جنایی در صورت توسل به عملیات مسلحانه در کنار تجارت مواد اعتیادآور، در این دسته قرار می‌گیرند. برخی از سازمان‌های جنایی منافع حاصل از تجارت موادمخدر را برای تأمین مالی فعالیت‌های سیاسی و ایدئولوژیک خود به کار می‌گیرند. همچنین برخی از سازمان‌های جنایی نیز با رشد قارچ‌گونه و گسترش فعالیت‌های خود، هنگام مواجهه با اقدامات مقابله‌ای دستگاه‌های انتظامی و قضایی، برای پیشبرد اهداف خود دست به عملیات مسلحانه می‌زنند. تجربه نشان داده که خشونت بازیگران غیردولتی می‌توانند به چالش‌های گسترده برای دولت‌ها تبدیل شوند. حملات چشمگیر و تبلیغاتی که سازمان‌های تروریستی در مادرید و لندن انجام دادند، نمونه‌هایی از این دست هستند. طبق نظر «ویلیامز»^۲ (ویلیامز، ۲۰۰۸، ص ۴)، در مکزیک، سازمان‌های قاچاق موادمخدر، این کشور را به شکلی بی‌رحمانه به چالش می‌کشند و در تلافی تلاش دولت برای مختل کردن فعالیت‌هایشان و کاهش قدرت آن‌ها، تعدادی از افسران پلیس درجه بالا را به قتل رسانده‌اند. در ریودوژانیرو و ساؤپائولو، قاچاقچیان موادمخدر و شبه‌نظامیان در مناطق شهری که دولت در آن غایب است، شکل‌های حکومتی بدوی را از خود نشان می‌دهند. در آمریکای مرکزی و ایالات متحده، باندهای جوانان بزهکار حضور گسترده و مختل‌کننده دارند. در کلمبیا، دولت چالش

1. plata o plomo.

2. Williams.

سیاسی شورشیان فارک را برطرف کرده، اما چریک‌ها تا حد زیادی به یک سازمان عمده قاچاق موادمخدر تبدیل شده‌اند که در برخی از مناطق، با سازمان‌های شبه‌نظامی سابق راست‌گرا که به قاچاقچیان موادمخدر تبدیل شده‌اند، همکاری می‌کند. در آلبانی، ایتالیا و بسیاری از قسمت‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق، سازمان‌های جنایتکار نه‌تنها به تجارت موادمخدر پرداخته، سیاستمداران را مبتلابه فساد کرده و پول‌شویی می‌کنند، بلکه درگیر فعالیت‌های متنوعی نیز هستند که حاکمیت دولت را به چالش کشیده و تضعیف می‌کنند. در بسیاری از کشورهای آفریقایی و همچنین آسیای میانه و افغانستان، جنگ‌سالاران بازیگران اصلی سیستم سیاسی و اقتصاد هستند. در عراق، شورشیان، تروریست‌ها، شبه‌نظامیان و سازمان‌های جنایتکار در یک فضای فرصت مشترک کار می‌کنند و با هم‌پوشانی احیای دولت مرکزی قانونی و کارآمد را دشوار می‌کنند.

در سریلانکا گروه «ببرهای آزادی‌خواه تامیل»^۱ هزینه‌های جاری خود را از سود حاصل از اخاذی و عواید جرائمی مانند سرقت، کلاهبرداری و قاچاق موادمخدر تأمین می‌کند. یکدیگر از گروه‌های شورشی، فارک در کلمبیا است که به‌عنوان یک جنبش آرمان‌گرای چپ برای تحقق عدالت اجتماعی در این کشور شروع به کار کرد، اما سپس به‌تدریج از یک شورش عقیدتی یا شورشی معنوی به شورش تجاری تبدیل شد. در ابتدا فارک از کشاورزان کوکا و قاچاقچیان موادمخدر محافظت کرده و از آن‌ها مالیات می‌گرفت، اما برخی از جبهه‌ها مانند تیپ شانزدهم، درگیر مشاغل تأمین کوکائین به سازمان «آرلانو فلیکس»^۲ در مکزیک و سازمان «کاستا»^۳ در برزیل شدند. حتی چندین عضو بلندپایه فارک به جرم قاچاق کوکائین در ایالات متحده دستگیر شده‌اند، آن‌ها تلاش کردند تا به بازار پایین دست سودمندتری دست یابند. بمب‌گذاری‌های مادرید توسط گروهی از قاچاقچیان موادمخدر مراكش که در یک گروه تروریستی محلی ادغام شده بودند، تأمین شد. قاچاقچیان تمام بودجه، دانش فنی و ارتباطاتی را که بمب‌گذاران برای دستیابی به مواد منفجره لازم داشتند،

1. Liberation Tigers of Tamil Eelam.

2. Arellano Felix.

3. Costa.

فراهم کردند. اگرچه برخی سازمان‌های جنایتکار محلی باقی مانده‌اند، اما تعداد زیادی از آن‌ها با تبدیل دامنه خود به فراملی، به فرصت‌های جهانی شدن پاسخ داده‌اند. آن‌ها با گروه‌های جنایی سنتی نظیر تریادهای چینی، سازمان‌های مافیای ایتالیایی و یاکوزا در ژاپن فرق کرده و اکنون امکانات و تجربیات خود را با قاچاقچیان موادمخدر و کلاهبرداران مالی نیجریه، سازمان‌های جنایتکار روسی و آلبانی و سازمان‌های قاچاق موادمخدر مکزیکی به اشتراک می‌گذارند. تقریباً همه این سازمان‌ها در فعالیتهای خود فراملی عمل کرده و به همین دلیل، به‌عنوان سازمان‌های جنایی فراملی شناخته می‌شوند (وبلیامز، ۲۰۰۸، صص ۱۷-۱۲). این‌ها همه بخش کوچکی از سازمان‌های جنایی هستند که تأمین مالی آن‌ها از طریق درآمد روندهای مواد اعتیادآور صورت می‌گیرد.

دولت‌های افیونی: سیاستمداران و دولتمردان حامی روندهای مواد اعتیادآور و دولت‌های افیونی را می‌توان کنشگران دولتی روندهای مواد اعتیادآور دانست. دولت افیونی به ایالت (منطقه‌ای) گفته می‌شود که کنشگران تجارت مواد اعتیادآور از طریق قدرت اقتصادی، سیاسی و شبه‌نظامی خود بر اعمال قدرت توسط دولت مرکزی تأثیر می‌گذارند. نمونه‌های فعلی دولت افیونی، افغانستان و کلمبیا هستند («هارتلیوس»^۱، ۲۰۰۸). دولت‌های افیونی با تجارت مواد اعتیادآور اداره شده یا سران این کشورها از سود این تجارت منتفع هستند. اولین دولت افیونی تاریخ بریتانیا بوده، اما در ادامه اقتصاد بسیاری از کشورهای آمریکای جنوبی توسط تجارت موادمخدر حمایت شده است؛ بنابراین نمی‌توان تأثیر یک ماده اعتیادآور مانند تریاک در معادلات منطقه‌ای و جهانی را نادیده گرفت.

دولت‌ها و دولتمردان پشتیبان روندهای مواد اعتیادآور معمولاً در ظاهر متعهد به اصول اخلاقی و مبارزه با موادمخدر هستند، اما به انگیزه‌های سیاسی، موازنه قوا، تهدید و ارباب و یا فساد مالی دست به حمایت از کشت، تولید، فرآوری، ترانزیت و یا توزیع آن‌ها می‌زنند. همچنین حمایت دولتی می‌تواند به‌صورت ایجاد مصونیت و امتناع از تحت پیگرد قرار دادن بازیگران غیردولتی با هر توجیهی نیز باشد.

1. Hartelius.

تصور کشت گسترده خشخاش در افغانستان بدون فساد گسترده دولتی ممکن نیست. وجوه حاصل از تجارت مواد اعتیادآور در افغانستان، امکان کنترل نظام سیاسی را به شبه‌نظامیان و جنگ‌سالاران می‌دهد. در واقع روندهای مواد اعتیادآور بر سیاست ملی آن کشور اثرگذار است. بازیگران روندهای موصوف با دسترسی به مبالغ هنگفت حاصل از تجارت مواد مخدر و نفوذ در اقتصاد ضعیف افغانستان، از تأثیرگذارترین کنشگران در سیاست آن کشور هستند. «گلیز»^۱ معتقد است: ویژگی‌های سودآور اقتصاد تریاک افغانستان و همچنین فقدان پیامدهای منفی مرتبط با تجارت تریاک و فساد گسترده دولتی، به اقتصاد تریاک و تقویت مجدد طالبان و شورش دامن می‌زند. فساد مرتبط با اقتصاد تریاک به تمام سطوح حکومت افغانستان از پلیس گرفته تا پارلمان سرایت کرده و حاکمیت قانون را از بین می‌برد. کشاورزان به‌طور معمول به پلیس و کارکنان مبارزه با مواد مخدر رشوه می‌دهند تا چشم خود را ببندند. کارکنان مجری قانون نیز توسط قاچاقچیان مواد مخدر برای نادیده گرفتن یا در برخی موارد محافظت از تحرکات آن‌ها پول می‌گیرند. اکنون گمان می‌رود که مقامات دولتی افغانستان در دست‌کم (۷۰) درصد از قاچاق تریاک دست دارند و کارشناسان تخمین می‌زنند که حداقل (۱۳) والی سابق یا فعلی ولایات به‌طور مستقیم در تجارت مواد مخدر دست دارند (گلیز، ۲۰۰۷، ص ۶). می‌توان به‌صراحت نقش بازیگران دولتی منتفع در تجارت مواد اعتیادآور افغانستان را نسبت به بازیگران غیردولتی برجسته‌تر دانست؛ بنابراین دولت افغانستان دارای نقش حمایتی از روندهای مواد مخدر است.

در کشورهای سراسر ساحل شرقی آفریقا، از «کیسمایو» تا «کیپتاون»، تجارت هرورین در جوامع محلی نهادینه‌شده و با نخبگان سیاسی پیوندخورده، جایی که از امتیاز کنترل و نظارت ضعیف بر بازیگران سیاسی و نهادهای دولتی استفاده شده است. بازار هرورین آفریقای شرقی به بهترین وجه به‌عنوان یک اقتصاد جنایی منطقه‌ای یکپارچه مبتنی بر ترانزیت هرورین از افغانستان به غرب و با تجارت فرعی برای مصرف محلی شناخته می‌شود. در ابتدا، به نظر

1. Glaze.

می‌رسد که حمایت سیاسی تضمین‌شده برای این تجارت از معاملات ساده بین قاچاقچیان موادمخدر و شخصیت‌های سیاسی که بر بنادر، گمرکات و سازمان‌های مجری قانون کنترل می‌کنند، پدید آمده است. تاجران هرویین که از این مسیر ترانزیتی استفاده می‌کنند، باید ترتیبی دهند که این بنادر قابل نفوذ باشند و اطمینان حاصل کنند که کالاهای غیرقانونی آن‌ها نه توقیف‌شده و نه به پرونده‌های جنایی علیه آن‌ها تبدیل می‌شود. با گذشت زمان، این معاملات به طرق مختلف در امتداد ساحل شرقی آفریقا تکامل یافته است. ویژگی‌های خاص نظام‌های حکمرانی جنایی که در طول این مسیر ترانزیت ساحلی رخ می‌دهد، بدین شکل است:

- در کنیا که می‌توان آن را بازاری دارای «رقابت چندقطبی» توصیف کرد، قاچاقچیان موادمخدر یا مستقیماً برای مناصب سیاسی مبارزه کرده‌اند یا اغلب دارای منافع سیاسی مرتبط هستند. در اینجا، هیچ گروه واحدی تسلط نداشته و رقابت قابل توجهی بین طیفی از بازیگران وجود دارد.
- در موزامبیک، قاچاقچیان موادمخدر تسلط خود را بر بازار به شکل قابل توجهی انعطاف‌پذیر و طولانی‌مدت با عناصر مرتبط با نخبگان سیاسی تثبیت کرده‌اند؛ بنابراین، موزامبیک را می‌توان به‌عنوان یک بازار جنایی نسبتاً یکپارچه در نظر گرفت که در آن «مالیات» بر درآمدهای هروئین ممکن است به تأمین مالی کمپین‌های احزاب سیاسی و تقویت شبکه‌های حمایتی محلی کمک کرده باشد (هایسوم، ۲۰۱۸، صص ۲-۳).

دولت‌های متخاصم: ممکن است برخی از سیاستمداران با پای نهادن بر روی مفروضات اخلاقی، متأثر از اندیشه‌های واقع‌گرایان تهاجمی، از ناامنی در یک دولت یا ائتلاف رقیب به‌منظور تضعیف آن حمایت کنند. روندهای مواد اعتیادآور موجب افزایش فعالیت‌های مجرمانه در کشورها و در پی آن کاهش احساس امنیت در میان شهروندان شود. اگرچه پشتیبانی از روندهای مواد اعتیادآور به‌طور مستقیم از سوی دولت‌ها اعلام نمی‌شود، اما حمایت از گروه‌های سازمان‌یافته جنایی از جمله سازمان‌های تروریستی، می‌تواند تشدیدکننده

روندهای موادمخدر باشد. گروه‌های تروریستی اگرچه گاهی با اهداف سیاسی و حمایت مالی دولت رقیب ایجاد می‌شوند، اما برای تداوم حیات خود به فعالیت‌های مجرمانه از جمله دخالت در روندهای مواد اعتیادآور متوسل می‌شوند.

یکی از اشکال تروریسم مورد استفاده دولت‌های رقیب، «نارکوتروریسم»^۱ است. مفهوم «تروریسم موادمخدر» در سال (۱۹۸۳) توسط «بلاوند تری»^۲ رئیس‌جمهور پرو، برای تبیین حملات تروریستی علیه پلیس مبارزه با موادمخدر کشورش ارائه شد. مجرمان موادمخدر از روش‌های مخالفان سیاسی برای تأثیرگذاری بر سیاست کشور با ایجاد رعب و وحشت و مانع‌تراشی در اجرای قانون استفاده می‌کردند. در سال (۱۹۸۵)، زمانی که کارتل مدلین به همراه گروه تروریستی M-۱۹ به دادگاه عالی در بوگوتا کلمبیا، حمله کرد تا از استرداد چندین قاچاقچی برجسته کوکایین به ایالات متحده جلوگیری کند، این اتفاق بسیار مورد توجه قرار گرفت. یازده قاضی رده‌بالا کشته شدند. در اواخر دهه (۱۹۸۰)، سازمان‌های دولتی آمریکا از مفهوم نارکوتروریسم برای توصیف دخالت اتحاد جماهیر شوروی سابق در تجارت موادمخدر استفاده می‌کردند. تعریف دیگر نارکوتروریسم دایر بر مشارکت سازمان‌های تروریستی در قاچاق مواد اعتیادآور به منظور تأمین مالی عملیات ایدئولوژی محور است. به‌منظور پوشش هر دو جنبه، «داویدز»^۳ یک تعریف دوجانبه ارائه کرده است: از یک سو، تروریسم با هدف حفاظت و حمایت از فعالیت‌های غیرقانونی قاچاقچیان مواد اعتیادآور؛ و از سوی دیگر، تروریسم مورد استفاده سازمان‌هایی که از سود مالی قاچاق مواد اعتیادآور برای حمایت از اهداف سیاسی، مذهبی یا دیگر آرمان‌های خود استفاده می‌کنند. ساده‌ترین و گسترده‌ترین تعریف از نارکوتروریسم توسط فرهنگ لغت آکسفورد (۱۹۹۹) ارائه شده است: تروریسم مرتبط با تجارت مواد اعتیادآور غیرقانونی (هارتلیوس، ۲۰۰۸، صص ۱-۲).

سرمایه حاصل از تجارت غیرقانونی مواد اعتیادآور به‌عنوان یکی از منابع

1. Narco-Terrorism.

2. Belaunde Terry.

3. Davids.

اصلی تروریسم، کارکردی اساسی در تضعیف ائتلاف رقیب دارد. تروریسم به‌عنوان یک ابزار غیراخلاقی استیلا، عمدتاً از سوی رقبای یک دولت تحمیل می‌شود. اگرچه بسیاری از سازمان‌های تروریستی با حمایت مالی یک دولت متخاصم ایجاد می‌شوند، اما ادامه حیات آن‌ها تا حد زیادی از طریق منابع مالی حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی و مجرمانه میسر است. با در نظر گرفتن سازمان‌های تروریستی و قاچاقچیان موادمخدر به‌عنوان بازیگران واقع‌گرا، می‌توانیم فرض کنیم این گروه‌ها با یکدیگر همکاری دارند؛ بنابراین دولت‌ها با رویکرد مخاصمه و کارکرد حمایتی در قبال سازمان‌های تروریستی، به‌صورت غیرمستقیم در روندهای تجارت جهانی مواد اعتیادآور نقش داشته و از این طریق سعی در ایجاد چالش‌های امنیتی برای رقیب خود می‌کنند.

بازیگران پنهان: برعکس بازیگران آشکار که به آن‌ها اشاره شد، برخی از کنشگران با پنهان کردن خود و عدم دخالت مستقیم در فعالیت‌های غیرقانونی موادمخدر، از تعقیب انتظامی و قضایی دولت‌ها در امان می‌مانند. تبهکاران یقه‌سفید گرداننده گروه‌های سازمان‌یافته و همچنین کنشگران تجارت مواد اعتیادآور فعال در فضای مجازی در این دسته قرار می‌گیرند. فعالیت در فضاهای پنهان شبکه جهانی اینترنت می‌تواند به‌راحتی با استخدام مشاوران آشنا به فناوری اطلاعات و ارتباطات تا حد زیادی خود را ناشناس باقی نگاه داشته و از پی‌جویی انتظامی و قضایی مصون بدارند. امروزه «شبکه تاریک»^۱ بستر مناسبی را برای تبهکاران یقه‌سفید و کنشگران اصلی روندهای مواد اعتیادآور فراهم کرده که بتوانند هویت خود را به‌خوبی مخفی نگه‌دارند. جایی که هزینه‌های کالاها معمولاً توسط «ارزهای رمزپایه»^۲، به ویژه بیت‌کوین‌ها پرداخت می‌شود و بعداً می‌توانند برای خرید کالا و خدمات دیگر، یا با ارزهای مختلف ملی مبادله شوند.

با توجه به آنچه گفته شد، کنشگران منتفع از ژئوپلیتیک روندهای جهانی مواد اعتیادآور، در شش دسته شامل (۱) کنشگران فردی؛ (۲) سازمان‌های

1. Dark Net.

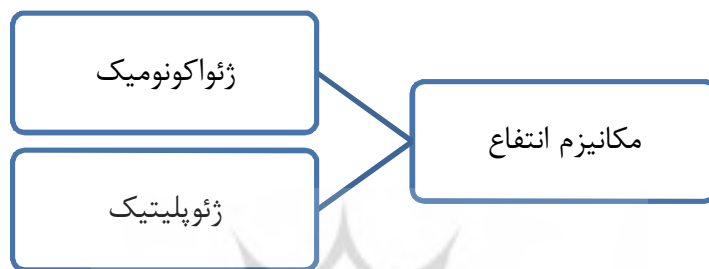
2. Crypto currencies.

جنایی؛ ۳) جنبش‌های مسلح؛ ۴) دولت‌های افیونی؛ ۵) دولت‌های متخاصم و ۶) بازیگران پنهان جای گرفته که در نمودار شماره (۳) به تصویر کشیده شده‌اند. اگر تجارت غیرقانونی مواد اعتیادآور را یک سیستم جهانی در نظر بگیریم، شش دسته کنشگر یادشده را می‌توان اجزاء و واحدهای این نظام دانست. واحدهای خرد تا کلان سیستم تجارت جهانی مواد اعتیادآور همگی به‌صورت شبکه‌ای از مراودات تجاری و سیاسی با هم مرتبط هستند. درآمیختگی واحدهای این نظام، تداعی‌کننده نظریه واقع‌گرایی ساختاری والتز است. کنشگران فردی خردترین واحد و دولت‌ها کلان‌ترین جزء از ژئوپلیتیک تجارت جهانی مواد اعتیادآور هستند که با توجه به ماهیت پنهان فعالیت‌هایشان نمی‌توان مقیاس جغرافیایی برای حوزه نفوذ آنان مشخص کرد، اما مقیاس جغرافیایی تحت تأثیر تجارت آنان از محلی تا ملی، منطقه‌ای و جهانی قابل‌گسترش است.

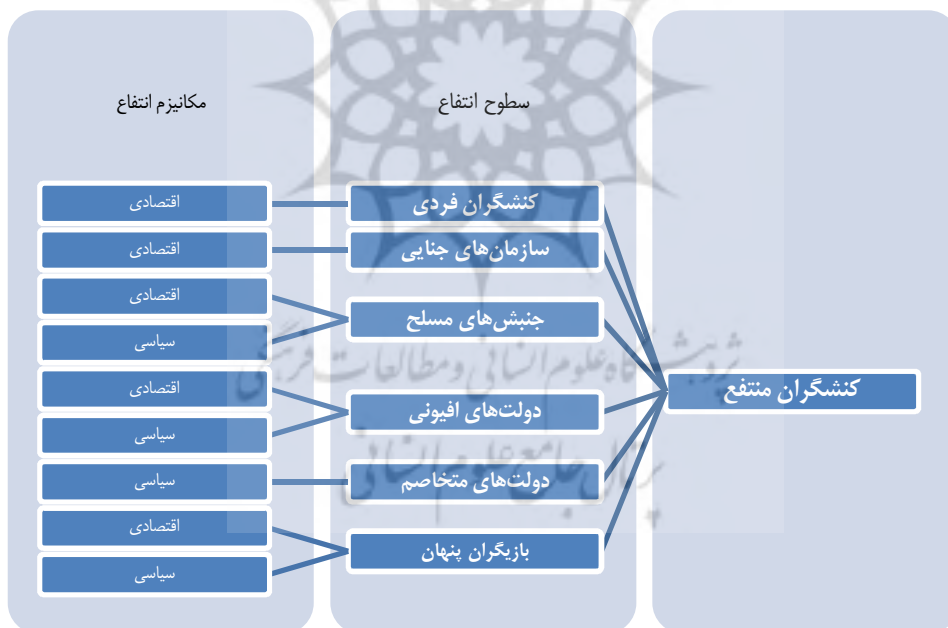


نمودار شماره (۳). کنشگران منفعت از ژئوپلیتیک روندهای جهانی مواد اعتیادآور؛ منبع. نگارندگان، ۱۴۰۱.

هر یک از کنشگران فعال با انگیزه‌های مالی یا سیاسی در تجارت مواد اعتیادآور دخیل هستند؛ بنابراین، می‌توان کنشگران عرصه تجارت مواد اعتیادآور را با توجه به هدف آن‌ها و مکانیزم انتفاع، به دو دسته کنشگر تقسیم کرد که در نمودار شماره (۴) نشان داده شده‌اند: (۱) کنشگران دارای اهداف ژئوپلیتیکی و (۲) کنشگران دارای اهداف ژئواکونومیکی. همچنین شمای کلی پژوهش به صورت نمودار شماره (۵) به تصویر می‌شود.



نمودار شماره (۴). مکانیزم انتفاع از تجارت مواد اعتیادآور؛ منبع: نگارندگان، ۱۴۰۱.



نمودار شماره (۵). کنشگران منتفع و مکانیزم انتفاع از روندهای جهانی مواد اعتیادآور؛ منبع: نگارندگان، ۱۴۰۱.

نتیجه‌گیری

واقع‌گرایان سنتی در نظریه‌های روابط بین‌الملل، دولت‌ها را تنها کنشگران در نظام جهانی می‌دانستند. این در حالی است که امروزه شاهد تأثیرگذاری قابل توجه افراد و سازمان‌های غیردولتی در روابط بین‌الملل هستیم. نوواقع‌گرایانی نظیر «کنت والتز»، برای این دسته از کنشگران نقشی در اندازه دولت‌ملت‌ها قائل هستند. ژئوپلیتیک روندهای تجارت جهانی مواد اعتیادآور شامل کشت، تولید، ترانزیت، توزیع و مصرف، در مقیاس‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و کروی بازیگران زیادی را اعم از منتفع و مقابله‌کننده در خود جای داده است. این کنشگران در سطوح فردی، گروهی، سازمانی و حتی دولتی به ایفای نقش در روندهای تجارت جهانی مواد اعتیادآور می‌پردازند؛ بنابراین نظریه واقع‌گرایی ساختاری کنت والتز مبین نقش‌آفرینی کنشگران غیردولتی در ژئوپلیتیک مواد اعتیادآور است. در میان کنشگران مورد اشاره، کنشگران منتفع از روندهای تجارت مواد اعتیادآور، کارکرد حمایتی در گسترش این تجارت غیرقانونی دارند.

کشاورزان، تاجران، خریداران و فروشندگان، مصرف‌کنندگان و غیره به‌عنوان کوچک‌ترین واحدهای نظام تجارت جهانی مواد اعتیادآور، بازوان اصلی سیستم را تشکیل می‌دهند. فارغ از نوع ارتباط بین این کنشگران با پنج واحد دیگر، بدون وجود این دسته، سیستم کارآیی و مبنای وجودی خود را از دست می‌دهد. ممکن است کنشگران فردی در تابعیت سلسله‌مراتبی یا مراوده تجاری با سایر واحدهای کلان‌تر سیستم باشند، اما مهم‌ترین جزء سامانه‌ای از نظام ژئوپلیتیکی تجارت جهانی مواد اعتیادآور به شمار می‌روند.

بازیگرانی که اقدام به تشکیل گروه، باند، سازمان یا کارتل‌هایی به‌منظور فعالیت‌های تبهکارانه می‌کنند، دسته دوم یعنی سازمان‌های جنایی را تشکیل می‌دهند. سازمان‌های جنایی بدون انگیزه‌های ایدئولوژیک یا سیاسی و صرفاً با هدف انباشت سرمایه تشکیل و ادامه حیات می‌دهند. این کنشگران به‌منظور

پنهان ماندن از چشم نهادهای انتظامی، از فعالیت‌های سیاسی، مسلحانه و ایدئولوژیک اجتناب می‌کنند.

سازمان‌های جنایی که به عملیات مسلحانه در کنار تجارت غیرقانونی مواد اعتیادآور متوسل می‌شوند و همچنین برخی از گروه‌های سازمان‌یافته که برای تأمین مالی فعالیت‌های سیاسی و ایدئولوژیک خود منافع حاصل از تجارت غیرقانونی مواد اعتیادآور را به کار گرفته، دسته سوم یعنی جنبش‌های مسلح را شکل می‌دهند. این کنشگران هنگام مواجهه با اقدامات مقابله‌ای دستگاه‌های انتظامی و قضایی، برای پیشبرد اهداف خود دست به عملیات مسلحانه می‌زنند. این دسته از کنشگران منتفع برای ارباب مقامات دولتی و قضایی و یا مقابله با واحدهای انتظامی دست به سلاح گرم برده و مهم‌ترین هدف برای کنشگران مقابله‌کننده از جمله پلیس و دستگاه‌های قضایی هستند.

نخبگان سیاسی مهم‌ترین اجزاء تشکیل‌دهنده دولت‌ها هستند. چنانچه نخبگان سیاسی یک دولت منتفع از درآمد تجارت غیرقانونی مواد اعتیادآور باشند، صرف‌نظر از اینکه این انتفاع در دولت سازمان‌یافته و یا نخبگان سیاسی به‌صورت فردی با این تجارت در ارتباط باشند، دولت مفروض را می‌توان یک دولت افیونی دانست. حمایت دولتی از روندهای تجارت غیرقانونی مواد اعتیادآور ممکن است به‌صورت فراهم‌کردن مصونیت قضایی برای بازیگران غیردولتی با هر توجیه اقتصادی یا سیاسی نیز باشد.

دولت‌های واقع‌گرا با هدف موازنه قوا سعی در تضعیف ژئوپلیتیکی دولت یا ائتلاف رقیب دارند. یکی از ابزار نفوذ پر قدرت در فضای جغرافیایی رقیب، تشکیل سازمان‌های تروریستی و حمایت جنبش‌های مسلح الحاق‌گرا در آن است. سازمان‌های تروریستی برای ادامه حیات و تأمین مالی عملیات ایدئولوژیک خود دست به فعالیت‌های مجرمانه از جمله تجارت سلاح و مواد اعتیادآور می‌زنند. برخی از دولت‌ها نیز به دخالت پنهان و آشکار رقبای خود در این تجارت غیرقانونی اشاره دارند. دولت‌های متخاصم با دیدگاهی تهاجمی از واقع‌گرایی، با هدف موازنه قوا و تضعیف رقبای خود به تقویت روندهای تجارت جهانی مواد اعتیادآور دامن می‌زنند.

تبهکاران یقه‌سفید یا بازیگران پنهان به صورت مستقیم و آشکار در روندهای تجارت مواد اعتیادآور نقش نداشته و حتی توسط سایر کنشگران فردی فعال در یک سازمان جنایی نیز ناشناخته هستند. این دسته از کنشگران ارتباطات سلسله‌مراتبی خود را در وب عمیق و مراودات مالی خود را با ارزهای رمزپایه انجام می‌دهند که عموماً هیچ‌یک توسط دولت‌ها و نهادهای انتظامی قابل ردگیری نیستند. این بازیگران از واحدها پرنفوذ و تأثیرگذار نظام ژئوپلیتیکی تجارت بین‌المللی مواد اعتیادآور به شمار می‌روند.

ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی که بیانگر تأثیر جغرافیا بر مرزها، دولت‌ها، واحدهای سیاسی، سیاست و به طور خاص سیاست خارجی دولت‌ها است، به مطالعه کنش متقابل جغرافیا و سیاست یا دخیل کردن عوامل جغرافیایی در سیاست خارجی و راهبردی‌های کلان دولت‌ها به منظور دستیابی به قدرت و منابع می‌پردازد؛ بنابراین باید گفت ژئوپلیتیک مواد اعتیادآور عبارت است از: «برهم کنش عوامل جغرافیایی با روندهای مواد اعتیادآور و در نظر گرفتن متغیرهای ژئوپلیتیکی برای تدوین سیاست‌ها و راهبردهای مبارزه با روندهای این مواد».

با توجه به ماهیت پنهانی فعالیت‌های مجرمانه در حوزه مواد اعتیادآور، داده‌های موجود قابل اتکا نبوده و نمی‌توان از کارکرد سیاسی گمانه‌زنی‌ها در معرفی کنشگران منتفع صرف نظر کرد؛ بنابراین بدون رویکرد ایدئولوژیک، کنشگران منتفع از ژئوپلیتیک روندهای جهانی مواد اعتیادآور، در شش دسته شامل (۱) کنشگران فردی؛ (۲) سازمان‌های جنایی؛ (۳) جنبش‌های مسلح؛ (۴) دولت‌های افیونی؛ (۵) دولت‌های متخاصم و (۶) بازیگران پنهان جای گرفتند. همچنین، کنشگران موصوف با توجه به هدف و مکانیزم انتفاع آنان، در دو گروه: (۱) کنشگران دارای اهداف ژئوپلیتیکی و (۲) کنشگران دارای اهداف ژئواکونومیکی جای داده می‌شوند.

هدف از تبیین دسته‌بندی برای کنشگران ژئوپلیتیک تجارت جهانی مواد اعتیادآور، تقویت ادبیات جغرافیایی - سیاسی در حوزه مواد اعتیادآور است. پژوهشگران در پژوهش‌های آتی، در هنگام مواجهه با کنشگران فعال در

روندهای مواد اعتیادآور، با بررسی مکانیزم و سطح انتفاع آنان، قادر به تعیین گروه دربرگیرنده بازیگر موردنظر می‌شوند. با تعیین گروهی که کنشگر متعلق به آن است، راه پیش روی محقق برای تجزیه و تحلیل زمینه‌ها، علل، انگیزه‌ها، اهداف و راهبردهای بازیگران نمایان می‌شود. علاوه بر این، بازیگران دولتی و غیردولتی مقابله‌کننده مانند سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و... در مقیاس‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی، می‌توانند اقدامات مقابله‌ای نظیر تصویب کنوانسیون‌ها، تدوین سیاست‌های کنترلی، تصویب قوانین و مقررات و همچنین مدیریت دستگاه‌های اجرایی را بر اساس یافته‌های علمی ژئوپلیتیک مواد اعتیادآور صورت دهند؛ بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر تلاشی برای دسته‌بندی کنشگران منتفع در روندهای موصوف با دو هدف کلی پژوهشی و اجرایی در نظر گرفته می‌شود. در تعیین گروه کنشگران موصوف، نخست می‌بایست مکانیزم انتفاع مشخص و با در نظر گرفتن منافع احتمالی بازیگران اقدام به دسته‌بندی آنان کرد.

منابع

- بوسه، گریگوری دی (۱۳۸۹). مرفین؛ ترجمه رضا پورقره‌خان. تهران: پلیس مبارزه با موادمخدر ناجا.
- زرقانی، سیده‌ادی؛ رضوی‌نژاد، مرتضی (۱۳۹۲). ژئوپلیتیک موادمخدر و تأثیر آن بر امنیت مرز و مناطق مرزی شرقی (نمونه موردی مرزهای خراسان رضوی-افغانستان). پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، ۱ (۱).
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۲). ژئوپلیتیک در قرن بیست‌ویکم. تهران: سمت.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۴). نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، چاپ چهارم. تهران: نشر میزان.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: سمت.
- Buxton, Julia (2006). *The Political Economy of Narcotics*. Bloomsbury Academic.
- Carcanague, Samuel (2012). *Géopolitique de l'antidrogue: concurrence et coopération russo-américaines en Asie central*. Revue Internationale et Strategique.
- Chouvy, Pierre-Arnaud (2010). *Opium: Uncovering the Politics of the Poppy*. Harvard University Press.
- Cohen, Saul Bernard (2010). *Geopolitics of the World System*. Rowman & Littlefield Publishers.
- European Commission (2009). *A report on Global Illicit Drugs Markets 1998-2007*.
- Evered, Kyle T (2011). *Poppies Are Democracy! A Critical Geopolitics of Opium Eradication and Reintroduction in Turkey*. *The Geographical Review*, Volume 101, Number 3.
- Glaze, John A (2007). *Opium and Afghanistan: Reassessing U.S. Counter-Narcotics Strategy*. US Army's Strategic Studies Institute.
- Griffith, Ivelaw L (1994). *From Cold War Geopolitics to Post-Cold War Geonarcotics*. *International Journal*, Vol. 49, No. 1, Narco-Diplomacy, Winter, 1993/1994.
- Hartelius, Jonas (2008). *Narcoterrorism*. Swedish Carnegie Institute.
- Haysom, Simone; Gastrow, Peter; Shaw, Mark (2018). *The heroin coast, A political economy along the eastern African seaboard*. European Union, Issue 04.

- International Monetary Fund (2003). Islamic State of Afghanistan: Rebuilding a Macroeconomic Framework for Reconstruction and Growth (Report).
- Su, Xiaobo (2018). Geopolitical imagination and the US war on drugs against China. Territory, Politics, Governance Journal.
- Thorogood, Joe (2018). Opium evil or opium essential? The geopolitics of drug control from 1909-1961. University College London.
- Waltz, Kenneth (1988). The Origin and Prevention of Major Wars. Massachusetts.
- Williams, Phil (2008). Violent non-state Actors and National and international security. International relations and security network.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی